



آغا محمد خان قاجار
حواشی و تاجدار

تهیه و تنظیم

دکتر همدلی

- سرشناسه : دلیاک، هدایت‌اله، ۱۳۲۵-
عنوان و نام پدیدآور : آغامحمدخان قاجار : خواجه تاجدار / تهیه و تنظیم :
دلیاک
مشخصات نشر : تهران : پارمیس، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری : ۱۹۲ ص : ۱۱×۱۷ س.م
شابک : 978-600-8708-69-8
وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۸۹-۱۹۲
عنوان دیگر : خواجه تاجدار
موضوع : آغا محمد قاجار، شاه ایران، ۱۱۵۵-۱۲۱۱ق. -
سرگذشتنامه
موضوع : ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳ - ۱۳۴۴ق.
موضوع : Iran -- History -- Qajars, 1779-1925
رده بندی کنگره : ۱۳۹۸ ۶۱۸ .۰۱ DSK
رده بندی دیویی : ۵۷۰.۹۲۰۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۶۸۴۲۷

آغامحمد خان قاجار (خواجہ تاجدار)

تہیہ و تنظیم: ہدایا

ناشر: پارمیس

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰ نسخہ

لوگو: توس

چاپ: صحافی: تاجیک

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۰۸-۶۹۰۸



انتشارات پارمیس

نشانی: خیابان کارگر جنوبی، پانین تر از میدان حر، کوچه حاتمی، بلاک ۱۰

تلفن: ۶۶۴۹۶۹۳۵-۶۶۴۹۷۱۳۴-۶۶۴۹۷۱۳۵
تلفن: ۶۴۷۵۹۲۰

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

جدول مندرجات

۱. پیشگفتار.....

۱-۱: ریشه‌های قدرت‌یابی دودمان قاجار.....

۱-۲: وضعیت ایران در زمان کودکی آغامحمدخان.....

۱-۳: کودکی و نوجوانی آغامحمدخان.....

۱-۴: نوجوان و قاجار.....

۱-۵: آغامحمدخان و حسن خان.....

۱-۶: بنیان‌گذاری قدرت قاجاریه.....

۱-۷: فاجعه تاریخی کربلای معلی.....

۱-۸: لشکرکشی آغامحمدخان به شیراز.....

۱-۹: انتقال مرکز حکومت به تهران و حمله به گرجستان.....

۱-۱۰: رویکرد به خراسان و ماورای نهر و براندازی افشاریان.....

۱-۱۱: حمله روسیه به سواحل غربی دریای خزر.....

۱-۱۲: بازگشت به قره باغ و بدرود ننگی.....

۱-۱۳: درباره آغامحمدخان.....

۱-۱۴: حکایاتی از بی‌عدالتی‌های آغامحمدخان.....

۱-۱۵: برخی گفته‌ها درباره آغامحمدخان.....

۱-۱۶: رجال سرشناس ایران در زمان شهریاری آغامحمدخان.....

۱-۱۷: آغامحمدخان در سن یازده سالگی.....

- ۳۲ ۱: ایستادگاه آغا محمد خان قاجار
- ۳۳ ۱: نام تهران
- ۳۳ ۱-: نام شمیران
- ۳۴ ۱-: تهران
- ۳۵ ۱-: حاجی ابراهیم خان قاجار
- ۳۷ ۱: چرخه زندگی آغا محمد خان قاجار
- ۴۰ ۱: پیشینه ایل قاجار
- ۴۴ ۱: تلاش برای پادشاهی
- ۴۵ ۱: پادشاهی قاجاریه
- ۴۶ ۱: آغا محمد خان قاجار
- ۴۸ ۱: جیران نخستین آموزگار آغا محمد خان
- ۵۰ ۱: آغا محمد خان در ۱۳ سالگی
- ۵۲ ۱: آغا محمد خان در مرداب انزلی
- ۵۴ ۱: آغا محمد خان و ماهی های دریای خزر
- ۵۵ ۱: حاجی ابراهیم خان کلانتر وزیر آغا محمد خان
- ۵۷ ۲-: تسخیر شهر بصره توسط صادق خان
- ۵۸ ۲-: درگیری با علی خان خمسه ای
- ۶۰ ۲-: سکه های سره
- ۶۰ ۲-: زندگی حاجی ابراهیم خان کلانتر

- ۲-۲۲: حسینقلی جهانسوز.....
- ۲-۲۳: آغامحمدخان و مرد روغن فروش.....
- ۲-۲۴: خشونت آغامحمدخان.....
- ۲-۲۵: خست آغامحمدخان.....
- ۲-۲۶: دودمان قاجار.....
- ۲-۲۷: آغامحمدخان قاجار و وضعیت ترکمن ها.....
- ۲-۲۸: آغامحمدخان بسیاری از پیروزی های خود را با ت...
- نبره های ترکمن کسب نمود.....
- ۲-۲۹: آغامحمدخان برای تثبیت قدرت خویش تمام موانع...
- خود را بی روی منحصربه فرد از میان برداشت.....
- ۲-۳۰: از نبره های ترکمن ها مناره های در دروازه سبز مش...
- استرآباد درست کرد.....
- ۲-۳۱: مقاومت مردان مناره های ترکمن.....
- ۲-۳۲: جعفرقلی قاجار.....
- ۲-۳۳: تاریخ تهران به عنوان یک شهر.....
- ۲-۳۴: تهران دوره زندیه.....
- ۲-۳۵: تهران پس از مرگ کریمخان.....
- ۲-۳۶: تهران در اواخر دوره زندیه، در دوره آغا قاجار.....
- ۲-۳۷: روابط ایران دوره زند با دیگر کشورها.....
- ۲-۳۸: ویژگی تهران مورد توجه آغامحمدخان.....
- ۲-۳۹: درگیری های خاندان کریم خان با آغامحمدخان.....
۳. اخلاق، رفتار و عملکرد آغامحمدخان.....

- ۳: حاقبت سرباز وفادار ۹۳
- ۳: صفات شخصی و سیاست آغامحمدخان قاجار ۹۴
- ۳: آغامحمدخان اندامی ضعیف داشت ۹۴
- ۳: رفتار آغامحمدخان با اهل شریعت ۹۵
- ۳: رفتار آغامحمدخان با سپاه ۹۵
- ۳: بی رحمانی و قتل و کشتن آغامحمدخان ۹۷
- ۳: خشونت آغامحمدخان در کشتن لطفعلی خان زند ۹۷
- ۳: لطفعلی خان زند ۱۰۰
- ۳: داستان‌هایی از زندگی آغامحمدخان قاجار ۱۰۷
- ۳: بدبینی و بی‌اعتنایی لطفعلی خان به حاجی ابراهیم ۱۰۹
- ۳: عقده‌های و اخورده محمدخان ۱۱۲
- ۳: آوارگی، به دست آوردن کرمان و دستگیر شدن ۱۱۲
- ۳: لطفعلی خان در برابر خان قاجار ۱۱۴
- ۳: رفتار آغامحمدخان با بازماندگان واپسین شاهزادگان ۱۱۴
- ۳: نقش آغامحمدخان در براندازی زندیان ۱۱۵
- ۳: طبع کینه‌جوی آغامحمدخان قاجار ۱۱۶
- ۳: دو سپاه زند و قاجار در مقابل هم ۱۱۸
- ۳: فتحعلی شاه ۱۱۹
- ۳: محمد شاه ۱۲۰
- ۳: ناصرالدین شاه ۱۲۰

۴. جنگ‌های آغامحمدخان

- ۴-۱: کمک فتحعلی خان به شاه صفوی
- ۴-۲: خو و اخلاق کریم خان
- ۴-۳: لطفعلی خان
- ۴-۴: حاجی ابراهیم خان
- ۴-۵: تاجگذاری آغامحمدخان و سفر او به مشهد
- ۴-۶: تهاجرخ مورد شکنجه قرار گرفت
- ۴-۷: رحیم ایران
- ۴-۸: آغامحمدخان مردی شکارچی بود
- ۴-۹: آغاز جنگ بزرگ شوشی
- ۴-۱۰: آغامحمدخان نمود را به قلعه شوشی رسانید
- ۴-۱۱: فتح تفلیس و بجای آغامحمدخان
- ۴-۱۲: اقدامات سیاسی آغامحمدخان در کنار زدن رقبای خود
- ۴-۱۳: نوجوانی آغامحمدخان قاجار
- ۴-۱۴: اقامت آغامحمدخان در شراز
- ۴-۱۵: آغامحمدخان و نبردهای سلطنت
- ۴-۱۶: آغامحمدخان و نبرد با رقیب اصلی
- ۴-۱۷: نخستین لشکرکشی آغامحمدخان به قفقاز
- ۴-۱۸: گشودن خراسان بدست آغامحمدخان
- ۴-۱۹: لشکرکشی دوم آغامحمدخان به قفقاز
- ۴-۲۰: شخصیت و خصایل آغامحمدخان
- ۴-۲۱: جنگ لطفعلی خان زند با آغامحمدخان قاجار

- ۱۷۲ ۴-۲: هجوم آغامحمدخان به ترکمن‌های گوگلان
- ۱۷۴ ۴-۲: طالش بدست آغامحمدخان قاجار فتح شد
- ۱۷۵ ۴-۲: سر تهاجم آغامحمدخان به قفقاز در مرحله اول
- ۱۷۶ ۴-۲: فتح ناس
- ۱۷۶ ۴-۲: قبل عام غارت آغامحمدخان در تفلیس
- ۱۷۷ ۴-۲: جنگ‌های ایران و روسیه
- ۱۷۷ ۴-۲: علت جنگ‌های ایران و روسیه
- ۱۷۹ ۴-۲: جنگ اچمرین (۱۲۱۰ ق)
- ۱۷۹ ۴-۳: جنگ سال‌های ۱۲۲۰-۱۲۲۱ و قتل سیسیانف
- ۱۸۰ ۴-۳: علت شکست سیسیانف و پایان تسخیر گیلان
- ۱۸۰ ۴-۳: جنگ اصلاندوز
- ۱۸۱ ۴-۳: عهدنامه گلستان
- ۱۸۲ ۴-۲: دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه ۱۱۴۳-۱۲۴۱ ه. ق
- ۱۸۳ ۴-۳: جنگ گنجه
- ۱۸۳ ۴-۳: پیشرفت قوای روس به سوی پایتخت در جنگ دوم
- ۱۸۴ ۴-۳: عهدنامه ترکمانچای
- ۱۸۵ ۴-۳: حمله روسیه به سواحل غربی دریای خزر
- ۱۸۵ ۴-۳: لوطی صالح، جعفرقلی خان قاجار، و کشتار برادران
- ۱۸۹ تابع

پیشگفتار

آغا محمد خان زاده ۲۷ محرم ۱۱۵۵ هجری قمر برابر با ۲۷ خرداد ماه ۱۱۲۱ خورشیدی در ۱۷ ژوئن ۱۷۴۲ میلادی در دشت اشرفی در میانه راه ساری به گرامان است. مراسم تاجگذاری اش را در ۱۵ ربیع الثانی ۱۱۹۵ هجری قمری برابر با ۱۴ فروردین ماه ۱۱۶۱ خورشیدی و ۲۱ مارس ۱۷۸۲ میلادی در ساری برگزار کرد. و سرانجام در ۲۱ ذی الحجه ۱۲۱۱ هجری قمری برابر ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۷۸۱ خورشیدی و ۱۷ مه ۱۷۹۸ میلادی در شوشا درگذشت.

آغامحمدخان فرزند محمد حسن خان قاجار و او نیز فرزند فتحعلی خان فرزند شاه قلی خان فرزند جهانسلطان بود. مازندران و بارفروش (بابل امروزی) مرکز حکومتی آغامحمد حسن خان بود و فتحعلی خان حاکم گرگان و در استرآباد حکومت می کرد اینان شیعه مذهب بودند. نادر قلی خان پس از کشتن فتح علی خان رقعه سحر ساخت خویش در خواجه ربیع طوس و با سعی و تلاش خویش به مقصد مشهد رسید.

۱-۱: ریشه های قدرت یابی دودمان قاجار

درباره اصل و نسب قاجارها اطلاعات درستی در دست نیست. اما اینطور که بر می آید آنها از نژاد ترک بودند. قاجارها از ترکان غربی بودند آنها از

دوره صفویه در تاریخ ایران پیدا شدند، و آن مطالبی که آنها را به مغولان منتسب می‌کند نامعتبر می‌باشد (تاریخ اجتماعی سیاسی ایران - سعید نفیسی) در اواخر قرن نهم هجری شاه عباس آنها را برای دفاع از مرزها به قسمت تقسیم کرد. قسمتی در مرو برای مقاومت در برابر ازبکان، قسمتی در گنجه و ایروان و قسمت دیگر در قلعه مبارک‌آباد استرآباد ساکن شدند. با توجه به سکونت قاجارها در حوزه فرهنگ و تمدن ایران می‌توان آنها را ایرانی شده نامید. قدرت یافتن دودمان قاجار به عهد صفوی و شاه عباس بر می‌گردد. ابتدا در شمال رود ارس ساکن بودند و در آن زمان به دلیل کمک شاه بزرگش به دربار صفوی، قدرت بیشتری یافتند و سپس دسته‌ای از آنان در غرب ایران و در دشت گرگان سکنی گزیدند. نادر شاه افشار در زمان حکمرانی نادر در پی تسلط بر ایران و رسیدن محمد حسن خان که در هنگام قتل پدرش در نزد شاه بود، یوخاری‌باش‌ها را به حکمرانی منسوب کرد که ساکنین دشت گرگان بودند تا با ایجاد شکاف و اختلاف میان طوایف قاجار تگران ناآرامی‌های داخلی نگردد و اشاقی‌باش‌ها زیر نظر حکومت ایشان که نندری را در خردسالی مقطوع‌النسل کردند و برای همین در ذکر نام وی بی‌سی آقامحمد را به شکل آغامحمد می‌نویسند.

۲-۱: وضعیت ایران در زمان کودکی آغامحمدخان

زمانی که نادر و فرزندانش به قتل رسیدند، شاه‌رخ شاه بوری به دست گرفتن قدرت تلاش می‌کرد. فرماندهی سپاه شاه‌رخ شاه به محمد حسن خان به علت تجربه و تدبیر فوق‌العاده ایشان واگذار گردید. با همکاری حاکم طبس ابراهیم خان برکنار شد و شاه‌رخ به سلطنت رسید هرچند اندکی پس از آن شاه‌رخ شاه به دست دشمنانش که در رأس آنان پدر زن وی قرار داشت نابینا گشت. فرماندهان وفادار دست به کودتا زده

۱-۳: کودکی و نوجوانی آغا محمد خان

ژان گور می نویسد: آغامحمدخان باریک اندام و متوسط القامه بود و چشم های زیبا و جذاب و دهانی کوچک داشت. هرکس دهان کوچک و چشمان زیبای پسرک را می دید، تصور می کرد بر روح وی هوی و هوس حاکم است؛ اما وقتی آن پسر سیزده ساله کلاه را از سر برمی داشت و چشم بسته به پیشانی بلند وی می افتاد، تغییر نظر می داد و می فهمید که کسی که دارای آن پیشانی بلند است، مقهور هوی و هوس نمی شود.

آغا محمدخان تیراندازی، سوارکاری و خواندن و نوشتن و حفظ کردن قرآن را در پیش دروس جیران - که از بهترین تیر اندازان بود - فرا گرفت؛ چنانکه در سیزده سالگی - و بهترین تیراندازان قشون محمدحسن خان بود و فرمانده دسته تیراندازان - الایه دار قشون پدرش گردید. وی با آن سن اندک، شجاع و با اراده بود و از شکست نمی ترسید.

۱-۴: کریم خان و قاجار

چندی بعد محمدحسن خان سپاهی مهیج و منظم ترتیب داد و به جنگ با کریم خان زند پرداخت. در جنگ های اولیه پیروزی با قهرها بود؛ اما در نهایت شکست خورده و در میدان جنگ توسط برعلیه ییگ حاکم سابق استرآباد کشته شد و سرش از تن جدا گردید.

۱-۵: پسران محمد حسن خان

آغامحمدخان با همیاری حسینقلی خان پس از درگذشت پدرشان به جهت به جنگ های پارتیزانی زدند تا آن که خراج آن سال استرآباد توسط آغامحمدخان مورد سرقت قرار گرفت. همین امر سبب جنگ میان فرستادگان کریم خان زند و او شد که در نهایت دستگیر و به تهران برده

شد. کریم خان همین که فهمید او دیگر خواجه است (و بر اساس فرهنگ آن زمان هیچ کس برای یک خواجه ارزشی قایل نمی شد) امر کرد تا به تحصیل ذخیره آخرت پردازد و از جاه طلبی دست بردارد.

پس از آن به شیراز منتقل شد و در اسارت به سربرد. این روش معمول کریم خان زند بود تا با اسیر نگاه داشتن تعدادی از سران قبیله متمرّد خطر شورش را از بین برده و در صورت هرگونه تحرک اسرا را تنبیه نماید. در همین زمان آغامحمدخان حسینقلی خان جهانسوز در شمال ایران دست به پیدی گوی زد. آغامحمدخان که می دانست از سوی کریم خان مواخذه خواهد شد، پسران خویش در حرم حضرت شاهچراغ خود را دخیل بست؛ پس از آن کریم خان به وساطت اطرافیان خود او را مورد عفو قرار داد.

۱-۶: بنیان نهادن حکومت قاجاریه

آغامحمدخان در ۱۳ صفر سال ۱۱۹۳ هجری قمری (روز درگذشت کریم خان)؛ هنگامی که در باغ های اطراف شهر به شکار مشغول بود؛ همین که عمه اش او را از مرگ شاه زند آگاه ساخت، فریاد زد و به شتاب خود را به تهران رسانید و در ورامین مدعی سلطنت بر ایران شد. سپس به ساری و استرآباد رفت و با کمک سران اشاقه باش، براندازی پدیده و رسیدن به قدرت را طراحی نمود و ولایات گرگان و مازندران را که در آن زمان تحت حکمرانی خویش قرار داد. وی در این زمان برای مطیع کردن برادران خود به جنگ با آنان پرداخت و حتی یکبار تا پای مرگ رفت ولی سرانجام در بندی نجات یافت و به ساری آمد و تاج سلطنتی را که توسط زرگران ساری ساخته شد بر سر نهاد و پایتخت خود را ساری نهاد و جشن نوروز را به دستور وی با تشریفات برگزار نمودند. پس از تسخیر شمال

ایران بر آذربایجان و کرمانشاهان نیز دست یافت. حکومت زندیه در جنگ و ستیز میان شاهزادگان زند قرار گرفت ولی سرانجام لطفعلی خان زند با همیاری حاج ابراهیم خان کلانتر شیرازی بر تخت سلطنت نشست. آغامحمدخان از آن زمان به مدت ۱۵ سال با لطفعلی خان زند - که جوان بود و شجاع - به جنگ و تعقیب و گریز پرداخت. مهم‌ترین این نبردها، جنگ باباخان برادرزاده آغامحمدخان در سمیرم و محاصره شیراز است. سرانجام آغامحمدخان قدرت نظامی خود را افزایش داد و با کمک حاج ابراهیم خان کلانتر که دروازه‌های شهر را پنهانی برای او گشود، وارد شیراز شد. با ورود آغامحمدخان قاجار به شیراز، لطفعلی خان زند به کرمان گریخت و پس از آن محاصره طولانی کرمان در سال ۱۲۰۸ هجری قمری صورت گرفت. در این محاصره لطفعلی خان مقاومت زیادی از خود نشان داد.

به عقیده حاج ابراهیم خان کلانتر، لطفعلی خان دلاوری شجاع بود اما برای مملکت داری مناسب نبود ولی آغامحمدخان قابلیت انجام امور سیاسی داشت. (صفحه ۹ - کتاب لطفعلی خان - ناصر نجمی - بهار ۱۳۷۶)

۷-۱: فاجعه تاریخی کرمان

مردم کرمان چندبار گرفتار حملات ددمنشانه متجاوزان و متاعل عام قرار گرفته‌اند که آخرین بار آن توسط آغامحمدخان قاجار در سال ۱۲۰۸ هجری قمری صورت گرفت. ماجرا به براندازی دودمان زندیه و پیدایش دودمان پادشاهی قاجار مربوط می‌شود. در حقیقت مردم این سامان قربانی کشمکش و نبرد سرنوشت‌ساز دو قدرت داخلی یعنی لطفعلی خان زند آخرین بازمانده پادشاهی زند و آغامحمدخان قاجار بنیانگذار سلسله قاجار شدند.

سرگذشت زندیه که کمتر مورد توجه بوده است، نکات جالبی دارد. کریم خان زند اولین چهره در این دودمان است که نام نسبتاً نیکی از خود به جا گذاشت. وی فردی اهل تساهل و مدارا بود و حتی نام پادشاهی بر خود ننهاد، بلکه خود را وکیل الرعایا نامید. در دوران حکومت وی اصلاحاتی در مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیز به انجام رسید. وی همواره بر نظام سیاست خارجی و تثبیت مرزها و تکیه بر وحدت ملی گام‌های مثبتی برداشت و هم در ایجاد امنیت داخلی و رونق اقتصادی و بالا بردن سطح معیشت مردمی و بهبود نظام مالیاتی و... کارهای مثبتی انجام داد. وی گرچه از ائمه‌نادرایی در میان مردم برخوردار بود، اما سعی می‌کرد خود را خارج از دایره مردم معرفی کند و اقتدار خود را به نمایش نگذارد.

اما پس از او جانشینان نتوانستند برنامه خوبی از خود ارائه دهند. درگیری‌های داخلی و کشمکش‌ها در سرکسب قدرت فزونی گرفت. این تنازعات مکرر و مستمر نظام زندیه را روز به روز ناکارآمدتر و ضعیف‌تر کرد تا سرانجام به فروپاشی آن انجامید. در مراسم خاکسپاری کریم خان (۱۱۹۳ هجری قمری) پایان نیافته بود که سران حکومت به جان هم افتادند و بر روی هم شمشیر کشیدند. هر کدام از سران به حمایتی یکی از فرزندان علیه دیگری کشمکش آغاز کرد تا سرانجام پس از یک روز یکی از خان‌ها توانست بر جناح رقیب غلبه کند و با کشتن تنی چند از هم‌دوره‌ها، تمام قدرت را به دست گیرد. در این سه روز، جنازه کریم خان بر زمین افتاده بود و پس از پایان کشمکش با انجام مراسم خاخص به خاک سپرده شد. زکی خان سلطنت را به ابوالفتح خان پسر بزرگ کریم خان داد، اما این سلطنت ۷۰ روز بیشتر دوام نیافت. این تنازع اولیه زنجیره وار ادامه یافت. برادر کریم خان و سردارانش هم وارد سهم خواهی از قدرت شدند و آشوب و هرج و مرج را دامنه زدند.